داستان

فرودگاه قلعه مرغی ۶

دارندگان کبوتر در دادگاه‌های نظامی محاکمه شوند

محمد بلوری/ برخورد دسته‌ای از کبوتران به یک هواپیمای ارتشی، سبب سقوط این هواپیما می‌شود و امنیت پروازها در آسمان تهران را فرمانداری نظامی بر عهده می‌گیرد و مقرر می‌شود با ممنوعیت پرواز کبوتران در آسمان، دارندگان کبوتر در دادگاه‌های نظامی محاکمه شوند. به دارندگان کبوتر دو روز مهلت داده می‌شود کبوتران را سر ببرند...

مبارزه با کبوتر در جنوب شهر به‌خاطر وجود فرودگاه نظامی قلعه‌مرغی با شدت آغاز می‌شود و استوار نایب، معاون پاسگاه قلعه‌مرغی را سردسته مأموران مبارزه با کبوترها می‌کنند... استوار نایب پس از دریافت این مأموریت به‌خانه برگشت. چهره‌اش از عجز و درماندگی حکایت داشت با خودش می‌گفت: برم پیش رئیس پاسگاه، التماس کنم. ازش بخوام که از این کار معافم کند، بهش بگم جناب سروان، تمام روز سگ دو زدن دنبال کفتر، گشتن خونه‌به‌خونه، از من بر نمی‌یاد. از خس‌خس سینه‌ام بگم، از واریس پاهام... دو سه سالی می‌شد که از درد ساق پاهایش مدام می‌نالید، سرنماز که به سجده می‌رفت از درد استخوان پاها نفس‌اش بند می‌آمد. هوا سرد که می‌شد با وزش باد پاییزی، درد به مغز استخوان‌هایش می‌زد شب‌ها هنگام خواب، زنش کلثوم را صدا می‌زد تا پمادی را که بوی بادام تلخ و زنجبیل می‌داد و طعم زهم ماهی گندیده را به حلقش می‌نشاند به ساق پاهایش بمالد، زیر لب به خودش می‌گفت: دیگه کارت تمومه پیرمرد! یاد حرف‌های سرزنش‌بار زنش افتاد.

یک شب که داشت پماد به پاهای او می‌مالید. دماغش را با بیزاری بالا گرفت و شکوه کرده بود: شب و روزت شده کار و انجام وظیفه. دیگه پیرشدی مرد! کمی هم به‌فکر خود، من و بچه‌هات باش. آخه دلمون از بس تو این چاردیواری موندیم پوسید.... در جواب زنش به طعنه و شوخی گفته بود: - این یکی دو سال هم دندون رو جیگر بذار، بازنشسته که شدم اونقدر، بشینم ور دلت که خودت از خونه بیرونم کنی، پیرمردی که نای نفس‌کشیدن نداشته باشه... کلثوم خانم با نگاه کجکی و نازآلودی جواب داده بود: -اون وقت که پیر و پیزوری شدی دیگه به چه دردم می‌خوری پیرمرد! و از این گفته‌اش، سرش را پایین انداخته و صورتش از خجالت سرخ شده بود... استوار نایب هنگام صبح در بازارچه، کنار سقاخانه ایستاد، جامی پر کرد و نوشید. رهگذران و کاسب‌ها سلامش می‌دادند اما توجهی نداشت. ضربان درد در مغز استخوان پاهایش تندتر میزد اما فکر مردم از سرش نمی‌رفت. با خود فکر می‌کرد: چطور می‌تونم با این مردم دربیفتم؟ چطور می‌تونم تو صورت عشقبازهای قدیمی نگاه کنم؟ به‌خاطر این‌که مأمور کشتار کفترهاشان شده‌ام، تف و لعن‌ام می‌کنند. دیگه بین اهل محل احترامی ندارم... در این هنگام زیر دستش، گروهبان سالاری از راه رسید و افکارش را پریشان‌تر کرد. از این گروهبان لاف‌زن و تملق‌گو خوشش نمی‌آمد. سالاری هر وقت از شیرین‌کاری‌های بی‌رحمانه‌اش دم می‌زد، استوار نایب با بیزاری نگاهش می‌کرد و با خودش می‌گفت: چه بی‌رحم! به این هم می‌گن انسان! گروهبان سالاری شب‌ها توی آسایشگاه در جمع ژاندارم‌ها که می‌نشست، از بی‌رحمی‌هایش داستان‌هایی نقل می‌کرد و با شرح هر ماجرا، نگاه تیز و سمور وارش را روی صورت متعجب ژاندارم‌ها می‌گرداند و با شوق فراوان چنان با دقت و دلاوری به تاباندن نوک سبیل‌های دم عقربی‌اش می‌پرداخت که انگار می‌خواست نوک‌شان را از سوراخ تنگ سوزن خیاطی بگذراند! و بعد از رفتار بی‌رحمانه‌اش می‌گفت.

از این‌که چگونه با بی‌رحمی گلوی راهزنان کوهستان یا قاچاقچیان مرزی را با سر نیزه گوش تا گوش می‌برید و هرگاه که چنین صحنه‌های قساوت‌آمیز را تعریف می‌کرد مردمک عسلی چشم‌هایش از شوق و هیجان می‌درخشید و صورتش برافروخته می‌شد. استوار نایب از درد ساق پاهایش روی تخت قهوه‌خانه نشست و گفت: -سالاری چه خبر از محل؟ گروهبان جواب داد: عشقبازها بدجور به وحشت افتاده اند نمی‌دانند با کفترهاشان چه کنند. راستی خان نایب جان فردا چه ساعتی خدمت برسم؟ نایب با گنگی نگاهش کرد و پرسید: برای چی؟ - برای کفترکشی قربان. چند تا کارد لازم داریم قربان؟ استوار نایب منظورش را نفهمید و پرسید: برای چی؟ سالاری جواب داد: برای کفترکشی قربان .سگرمه‌های استوار تو هم رفت و گفت: -مگر ما سلاخ شدیم سالاری؟ و بدون انتظار جوابی کلاهش را روی سرش جابه‌جا کرد و بی‌اعتنا به گروهبان راه افتاد.

■ ادامه مطلب پنجشنبه آینده

خبر

مسمومیت جان خواهر و برادر خردسال را گرفت

گروه حوادث/ دو فرزند خردسال یک خانواده گیلانی بر اثر مسمومیت غذایی جان باختند. به گزارش خبرگزاری صدا و سیما مرکز گیلان، یک خواهر ۸ و برادر ۳ ساله مسافر که در ویلایی در فشتکه خمام اقامت داشتند، در یکی از بیمارستان‌های رشت جان باختند. جنازه این دو کودک در اختیار پزشکی قانونی قرار دارد تا علت مرگ مشخص شود. خانواده این دو کودک مسافرند و یک هفته است که در یک ویلا در فشتکه خمام اقامت دارند.

رئیس مرکز آموزشی، درمانی و پژوهشی ۱۷ شهریور رشت جزئیات فوت دو کودک از یک خانواده خمامی را تشریح کرد و گفت: یک کودک از این خانواده پیش از مراجعه به مرکز و کودک دیگر نیز علیرغم ارائه خدمات درمانی تخصصی و فوق تخصصی فوت کرده است.

دکتر سعید سادات منصوری در جمع خبرنگاران در تشریح جزئیات فوت دو کودک اهل شهرستان خمام، اظهار کرد: در تاریخ نهم خردادماه، یک کودک پسر سه‌ساله بدون علائم حیاتی توسط پدر و همراهان به واحد اورژانس بیمارستان ۱۷ شهریور منتقل شد که علیرغم تلاش‌های همکاران، پزشکان بازگشت علائم حیاتی میسر نشد.

وی با اشاره به فوت کودک دیگر خانواده خمامی که با احتمال مسمومیت غذایی به این بیمارستان مراجعه کرده و بستری شده بود، افزود: با توجه به شرح حال اخذ شده از پدر بیمار مبنی بر مصرف ماده غذایی توسط مادر و دو فرزند و بروز علائم مشابه در هر سه نفر، کودک دختر هفت ساله نیز با علائم بی‌حالی در مرکز بستری و با توجه به احتمال مسمومیت غذایی، مشاوره‌های تخصصی و فوق تخصصی برای مداوای وی انجام شد و علیرغم تلاش‌های کادر درمان، کودک دوم نیز فوت کرد.

رئیس مرکز آموزشی، درمانی و پژوهشی ۱۷ شهریور رشت از ارجاع اجساد متوفیان به پزشکی قانونی گیلان خبر داد و گفت: موضوع به کارشناسان معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی گیلان و مرکز بهداشت استان منعکس و اجساد نیز برای تعیین علت فوت به پزشکی قانونی منتقل شدند. گفتنی است؛ مادر خانواده خمامی نیز در مرکز آموزشی درمانی رازی رشت بستری بوده که به گفته پزشک معالج، دکتر علیرضا بادسار، متخصص پزشکی قانونی و مسمومیت‌های این مرکز، حال عمومی بیمار خوب است.

قاتل خادم امامزاده صالح دستگیر شد

جنایت به‌خاطر تسویه‌حساب شخصی

گروه حوادث/ عامل تیراندازی مرگبار به‌کارمند آستان امامزاده صالح در کمتر از دو روز پس از جنایت شناسایی و بازداشت شد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۸ صبح یکشنبه ۹ خرداد رهگذری هنگام عبور از خیابان واعظی در شمال تهران متوجه مردی شد که خونین روی زمین افتاده است. با مشاهده مرد زخمی، بلافاصله او با پلیس تماس گرفت و مأموران کلانتری ۱۰۱ تجریش راهی محل شدند. آنها بلافاصله مرد زخمی را به بیمارستان شهدای تجریش منتقل کردند. اما مرد مصدوم که از ناحیه شکم با شلیک گلوله زخمی شده بود دقایقی بعد فوت کرد.

قتل مرد به بازپرس رحیم دشتبان، مأموران اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت و تشخیص هویت و پزشکی قانونی اعلام شد و لحظاتی بعد تیم تحقیق راهی محل حادثه شد. در بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد مقتول مهندس سعید طاهری، یکی از کارمندان آستان حرم امامزاده صالح(ع) است که از سوی فردی ناشناس با اصابت تیری به شکم به قتل رسیده است.

در بررسی میدانی سه پوکه به‌دست آمد که نشان می‌داد متهم سه تیر به سمت مهندس جوان شلیک کرده که دو تیر به او اصابت کرده است. در بازبینی دوربین‌های اطراف محل حادثه مشخص شد مردی با لباس مبدل در حالی که عصای نابینایان را به‌دست داشت در مقابل خانه مقتول به کمین ایستاده بود. به محض خروج او با اسلحه کلت کمری اقدام به تیراندازی کرده و بلافاصله نیز سوار بر خودرویی متواری شد.

تحقیقات برای دستگیری متهم متواری ادامه داشت تا اینکه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت موفق شدند عصر سه‌شنبه ۱۱ خرداد یعنی سه روز پس از این جنایت او را دستگیر کنند. در تحقیقات صورت گرفته متهم انگیزه خود از این جنایت را اختلاف شخصی عنوان کرد و گفت: مدتی بود که با مقتول اختلاف داشتم و درنهایت تصمیم به قتل او گرفتم، روز حادثه با لباس مبدل و عصا و عینک نابینایان به کمین او ماندم و زمانی که از خانه خارج شد با شلیک گلوله او را به قتل رساندم.

شلیک مرگ به کارمند انبار

گروه حوادث/ کارمند انبار شرکت دیجی کالا، هنگام خروج از خانه با شلیک مرد ناشناسی به قتل رسید.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۵:۳۰ دقیقه بامداد چهارشنبه ۱۲ خرداد مرد جوانی که شاهد یک قتل بود با پلیس تماس گرفت و گفت: از خانه‌ام واقع در خیابان رجب‌زاده شمالی در منطقه کیانشهر خارج شدم تا به محل کارم بروم. همزمان با خروج من از خانه، مرد همسایه را دیدم که سوار بر خودروی پرایدش از پارکینگ خانه خارج شد. وقتی مرد همسایه از خودرواش پیاده شد تا در پارکینگ را ببندد ناگهان مرد جوانی که صورتش را با ماسک بهداشتی پوشانده بود به او نزدیک شد.

آنها چند کلمه‌ای باهم صحبت کرده و همین مسأله نشان می‌داد که باهم آشنایی قبلی دارند، مکالمه آنها خیلی زود پایان یافت و او دوباره سوار خودروی پرایدش شد، اما قبل از اینکه وی فرصت کند خودرو را به حرکت دربیاورد، مردی که ماسک به چهره داشت، از داخل ساکی که همراهش بود یک اسلحه شکاری بیرون آورد و به سمت او نشانه گرفت و شلیک کرد بعد هم پای پیاده اقدام به فرار کرد، مرد مسلح مرا ندید.

مرد همسایه که تصورش را نمی‌کرد شاهد جنایتی هولناک باشد، موضوع را به کلانتری ۱۵۸ کیانشهر اعلام کرد. با حضور مأموران کلانتری و اورژانس، بررسی‌ها نشان می‌داد که راننده پراید فوت کرده است. گزارش این جنایت بلافاصله به بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام شد. دقایقی بعد، بازپرس شعبه دهم دادسرای امور جنایی پایتخت، کارآگاهان اداره دهم، کارآگاهان تشخیص هویت و متخصصان پزشکی قانونی راهی محل جنایت شدند.

با حضور در محل، آنها مرد ۳۲ ساله را پشت فرمان خودرواش در حالی مشاهده کردند که گلوله به گردن او اصابت کرده بود. در تحقیقات میدانی مشخص شد مقتول انباردار شرکت دیجی کالا است. به دستور بازپرس محمدحسین زارعی، جسد به پزشکی قانونی منتقل شد. همچنین تحقیقات برای بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل جنایت، تحقیق از خانواده مقتول، همکارانشان و دستگیری عامل جنایت به دستور بازپرس پرونده ادامه دارد.

مرد خیاط منکر قتل همسرش شد

گروه حوادث/ دو سال پس از به قتل رسیدن زنی جوان جلسه محاکمه همسرش در حالی برگزار شد که این مرد خیاط همچنان منکر قتل همسرش است.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، راز قتل این زن از آذر سال ۹۸ و با گزارش مردی جوان به پلیس فاش شد. وی که جسد را پیدا کرده بود گفت: با دوستانم در حوالی بزرگراه آزادگان خیابان دستواره قدم می‌زدیم که چشممان به یک گونی بزرگ افتاد که داخل جوی آب افتاده و لکه‌های خون رویش بود. وقتی گونی را بیرون کشیدیم و درش را باز کردیم از ترس شوکه شدیم داخل گونی جسد خونین یک زن قرار داشت.

وقتی مأموران پلیس به محل رسیدند با جسد زن جوان در حالی رو به رو شدند که دست و پاهایش با تکه‌های پارچه بسته شده بود و آثار ضربه‌های جسم نوک تیز مانند قیچی به سرش دیده می‌شد. وقتی جسد برای تعیین علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد در ادامه تحقیقات هویت مقتول به‌نام رها ۴۰ ساله شناسایی و خانواده و محل زندگی اش به دست آمد.

بدین ترتیب مأموران به خانه مقتول در حوالی خیابان خزانه رفتند و به تحقیق از شوهر وی پرداختند. مسعود در نخستین بازجویی‌ها گفت: همسرم روز قبل از خانه خارج شد و دیگر برنگشت.

این مرد خیاط گفت: همسرم دختر خاله‌ام بود ما سال‌ها با هم زندگی کردیم و یک دختر دانشجو هم داریم که در شهرستان درس می‌خواند. ما هیچ اختلافی با هم نداشتیم. من در خیابان جمهوری بوتیک دارم و یک کارگاه خیاطی هم روی پشت بام خانه‌ام راه انداخته‌ام. دیروز همسرم برای خرید داروهایش از خانه بیرون رفت و گفت بعد از خرید به خانه خواهرم می‌رود اما چند ساعت بعد وقتی خواهرم با من تماس گرفت و گفت رها به خانه او نرفته نگران شدم. با تلفن همراهش تماس گرفتم جواب نداد به خواهر زنم زنگ زدم اما او هم بی‌خبر بود و گفت گوشی موبایل رها خاموش شده است. همه جا را دنبالش گشتیم اما خبری پیدا نکردیم تا اینکه امروز فهمیدم همسرم کشته شده است.

در حالی که مسعود منکر دخالت در قتل همسرش بود کارآگاهان پلیس در حیاط خانه آنها با لکه‌های خون روبه‌رو شدند و فرضیه جنایت خانوادگی قوت گرفت.

در بررسی‌های بعدی نمونه تکه‌های پارچه‌ای که دست و پای رها با آن بسته شده بود در کارگاه خیاطی مسعود پیدا شد. همچنین در تحقیقات میدانی از همسایه‌های مقتول آنها بر خلاف ادعای مسعود که می‌گفت زندگی آرامی با همسرش داشته مدعی شدند این زوج همیشه با هم دعوا داشتند و صدای درگیری آنها را بیشتر اوقات می‌شنیدند. از سوی دیگر آثار درگیری و خراشیدگی روی دست‌های مرد خیاط شک پلیس را به اینکه وی در قتل همسرش دست دارد بیشتر کرد.

در ادامه تحقیقات اسناد و مدارکی علیه مسعود کشف شد که ادعای وی را در بی‌گناهی اش کمرنگ کرد مأموران با پیدا کردن داروهای مقتول که تازه خریده بود و یافتن کلید در خانه که متعلق به رها بود و با خودش نبرده بود مطمئن شدند که مسعود سعی در کتمان حقیقت دارد. همچنین مرد خیاط در پاسخ به این سؤال که چرا آن روز چندین بار حیاط خانه را شسته ادعا کرد حیاط را به خاطر برگزاری جشن تولد فرزند باجناقش شسته است. اما این ادعای وی نیز تأیید نشد و سرانجام کیفرخواست وی به اتهام قتل همسرش صادر و پرونده به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در روز دادگاه که در شعبه دوم دادگاه برگزار شد دختر مقتول از پدرش اعلام گذشت کرد اما پدر مقتول برای دامادش تقاضای قصاص کرد و در حالی که به خاطر قتل دخترش بشدت بی‌تابی می‌کرد از هوش رفت.

مسعود وقتی پای میز محاکمه ایستاد در حالی که همچنان منکر قتل همسرش بود گفت: من نمی‌دانم چه کسی رها را کشته است او از خانه بیرون رفت تا دارو بخرد. من بی‌دلیل بازداشت شده‌ام.

قاضی پرسید: اما در تحقیقات مشخص شده که تلفن همراه همسرت در خانه بوده است چطور تلفنش را نبرده بود؟

متهم پاسخ داد: همسرم وقتی از خانه خارج می‌شد گوشی موبایلش دستش بود حتی من از او پرسیدم که به تلفنش نگاه کرد و جوابم را داد. چرا وقتی همسرت گم شده بود حیاط خانه را شستی؟

- خانواده همسرم می‌خواستند از شهرستان به خانه ما بیایند خواستم خانه تمیز باشد.

متهم درباره علت خراشیدگی و کبودی دستانش نیز گفت: چند روز قبل از این ماجرا کارهای بنایی انجام می‌دادم و به همین خاطر دستهایم خراشیده شده بود.

اما پاسخ‌های ضد و نقیض متهم نتوانست هیأت قضایی را متقاعد کند که وی بی‌گناه است بنابراین وی در آخرین دفاع باز هم اتهام قتل همسرش را رد کرد و بدین ترتیب با پایان جلسه دادگاه قضات برای صدور حکم مرد خیاط وارد شور شدند.

کشتی خارک غرق شد

گروه حوادث/ شناور خارک با وجود تلاش بیست ساعته امدادگران برای مهار آتش سرانجام غرق شد.

روابط عمومی منطقه دوم دریایی جاسک در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: شناور پشتیبانی آموزشی نیروی دریایی که چند روز قبل عازم مأموریت دریانوردی آموزشی در آب های آزاد شده بود، روز سه‌شنبه در حوالی بندر جاسک در یکی از سامانه‌ها دچار حریق شد که با حضور تیم کنترل صدمات ناو، ضمن مبارزه با حریق تمامی کارکنان تحت آموزش به سلامت از ناو پیاده و به ساحل منتقل شدند. اما باوجود ۲۰ ساعت تلاش همه‌جانبه و استفاده از امکانات امداد دریایی، به‌دلیل گسترش آتش در بخش‌های مختلف، عملیات نجات شناور پشتیبانی آموزشی خارک بی‌نتیجه ماند و این شناور در آب‌های محدوده جاسک آرام گرفت. براساس گزارش‌ها این سانحه تلفات جانی نداشته است.

به گزارش ایسنا، ناو لجستیکی خارک با شماره بدنه ۴۳۱، از سال ۱۹۸۴ تا ۲۰۲۱ در نیروی دریایی ایران خدمت کرد. در مأموریت اخیر نیز جمعی از دانشجویان دانشگاه نیروی دریایی در نوشهر در این ناو لجستیکی مشغول دوره‌های آموزشی بودند.

ناو خارک یک ناو بزرگ پشتیبانی و هلیکوپتربر ۳۳ هزار تنی بود که بیش از ۲۰۷ متر طول و ۲۶ متر عرض داشت و در بریتانیا ساخته شده بود.

شناور خارک در بیش از ۴ دهه عمر خدمتی خود در مأموریت‌های عملیاتی در حوزه‌های آموزشی به کار گرفته شده بود.

حوادث جهان

غرق شدن کشتی در سریلانکا و فاجعه زیست‌محیطی

گروه حوادث/ غرق شدن یک کشتی باری در آب‌های سریلانکا نگرانی‌هایی در مورد وقوع فاجعه زیست محیطی دریایی به همراه داشته است.

به گزارش خبرگزاری رویترز، غرق شدن یک کشتی باری حامل چندین تن مواد شیمیایی در آب های سریلانکا یکی از جدیدترین حوادث دریایی در این کشور به شمار می‌رود. این کشتی سنگاپوری حامل ۱۴۸۶ کانتینر از جمله ۲۵ تن نیتریک اسید و دیگر مواد شیمیایی بوده است که در ۲۰ ماه مه پس از آنکه آتش گرفت در سواحل غرب سریلانکا لنگر انداخت؛ از آن زمان مقامات در تلاش برای مهار آتش بوده‌اند چرا که مواد قابل اشتعال موجود در آن شدت حریق را تشدید کرده است.

به گفته کارشناسان، هزاران گلوله پلاستیکی، ساحل این کشور و مناطق ماهیگیری آن را فراگرفته و یکی از بزرگترین بحران‌های زیست محیطی در دهه‌های گذشته را ایجاد کرده است.

حمله سارقان با سرنیزه به مأموران پلیس

گروه حوادث/ موبایل‌قاپ حرفه‌ای که با زخمی کردن مأمور پلیس قصد فرار داشتند دستگیر شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، روز گذشته مأموران گشت انتظامی کلانتری ۱۴۰ باغ فیض حین گشت در محدوده استحفاظی خود، دو مرد موتورسیکلت سوار را حین سرقت گوشی موبایل از یک فرد مشاهده کردند. مأموران بلافاصله برای دستگیری متهمان وارد عمل شدند که دو سارق خشن با مشاهده مأموران، سوار بر موتور تصمیم به فرار گرفتند و مأموران گشت کلانتری به تعقیب متهمان پرداختند اما سارقان به دستور ایست پلیس توجه نکرده و به فرار خود ادامه دادند. پس از تعقیب و گریز طولانی سارقان با توجه به شلوغی خیابان موفق به فرار نشده و در این مرحله برای فرار به سمت مأموران حمله کردند.

سرهنگ ضرغام آذین سرکلانتر دوم پلیس پیشگیری تهران بزرگ در این باره گفت: در این درگیری ترک نشین موتورسیکلت با ضربات سرنیزه، مأمور پلیس را از ناحیه دست، شکم و پا مورد هدف قرار داده که در ادامه مأموران پلیس با استفاده از فنون رزمی دو زورگیر را زمین گیر و دستگیر کردند. سارقان حرفه‌ای، پس از انتقال به کلانتری ۱۴۰ باغ فیض، در بازجویی‌ها به سرقت و ضرب و شتم مأمور پلیس صراحتاً اعتراف کردند. وی در ادامه افزود: مأمور پلیس که در این عملیات بشدت آسیب دیده و زخمی شده برای درمان به بیمارستان انتقال یافته و متهمان برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی معرفی شدند.